

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره اول - فروردین ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۷

معرفی نسخه خطی مرات‌الخیال و بررسی سبک ادبی آن

(صفحه ۲۲۳-۲۴۱)

ماهرخ آهمه<sup>۲</sup> - مریم محمودی (نویسنده مسئول)<sup>۳</sup> - احمدرضا یلمه<sup>۴</sup> ها

تاریخ دریافت و پذیرش پائیز ۱۳۹۷

### چکیده

نسخه خطی مرات‌الخیال اثر میکراج ملتانی از نویسندگان شبه قاره در قرن دوازدهم و از جمله آثار نثر فنی فارسی است که مانند بسیاری از نسخه‌های خطی دیگر تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. احاطه نویسنده مرات‌الخیال به زبان فارسی و عربی و اشتمالش به زیورهای لفظی و معنوی از وجوه امتیاز آن محسوب می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است با خوانش نقادانه و سبک‌شناسی ویژگی‌های ادبی این اثر نقد و تحلیل شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این اثر به سبک موزون فنی نگاشته شده است و در شکل‌گیری فرم ادبی آن صور خیال از جمله تشبیه و استعاره، قرینه‌سازیها و ایجاد تناظرهای موسیقایی و دقت و فراست در گزینش و چینش واژگانی بسیار موثر بوده است. از بین آرایه‌های بدیعی که نقش زیادی در ایجاد موسیقی کلام در این کتاب دارد میتوان به انواع سجع، جنا سها، موازنه و ترصیع، قرینه‌سازی و هم‌آوایی، اطناب و براءت استهلال اشاره کرد. روش پژوهش در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و براساس شیوه توصیفی و تحلیلی از نسخه مرات‌الخیال است.

**کلید واژه‌ها:** مرات‌الخیال، میکراج ملتانی، سبک‌شناسی، ادبیات شبه قاره

۱- از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی. دهقان. ایران. [dezroud93@gmail.com](mailto:dezroud93@gmail.com)

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی. دهقان. ایران. (نویسنده مسوول) [m.mahmoodi75@yahoo.com](mailto:m.mahmoodi75@yahoo.com)

۴- استاد زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی. دهقان. ایران. [ayalameha@yahoo.com](mailto:ayalameha@yahoo.com)

## Introducing the linear version of Maratul-Khalkhal and studying the features of his literary style

M. Ahameh<sup>1</sup>, M. Mahmoodi<sup>2</sup>(Author in Charge), A.R.Yalameha<sup>3</sup>

### Abstract

The original Manuscript of Mar'at- ol khial by Mikraj Multani – one of 12<sup>th</sup> century writers of Indian subcontinent – is among Persian technical prose works; however, like most other manuscripts, has not been reviewed so far. The writer's domination on Persian and Arabic languages as well as including verbal and spiritual ornaments in it are some of its merits. In this search, it is tried to analyze the work outstanding stylish properties by reading it critically and methodologically. The results show that the work has been written in a symphonic technical way. In its literal formation, making similes and musical correspondence and also attending to the selection and arrangement of such words have been very affective. Among the exquisite arrays which have an affective role in making the words music in this book, we can address to the rime, balance, harmonization, redundancy, and unisoudness.

**Keywords:** Mar'at-ol khial, Mikraj Meltani, methodology, subcontinent literature

---

<sup>1</sup> Persian literature MA student, Azad Islamic University, Dehaghan branch, Iran

<sup>۲</sup> Associate professor of Persian literature of Islamic Azad university of Dehaghan

<sup>3</sup> 3. Lecturer, Persian literature of Islamic Azad university of Dehaghan

## مقدمه

تعامل کشورها و ملتها با یکدیگر عاملی مهم و تاثیرگذار در انتقال آداب و رسوم و فرهنگ و زبان و ادبیات است. عوامل مختلفی شدت و ضعف این تاثیرگذاری را تعیین میکنند که از جمله آنها میتوان بوجه اشتراک تاریخی، زبانی و فرهنگی اشاره کرد. در کشورهای هند و ایران این اشتراکات مهمترین عامل پیوندهای ادبی و فرهنگی است. «آشنایی هندیان با ادب فارسی از قرن پنجم به بعد و ظهور نویسندگان و شعرای بزرگی چون هجویری، ابوعبدالله روزبه نکتی لاهوری، مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، امیرخسرو و حسن دهلوی، حمید قلندر، ظهیر دهلوی، شهاب مهمره و مولانا مطهر، کم کم شبه قاره را بیکی از مراکز مهم ادبیات فارسی تبدیل کرد. البته نقش دربارها و حکام در این روند با آنکه اغلب ترک نژاد بودند، انکارناپذیر بود. این زمینه‌های تاریخی - فرهنگی سرانجام در دوره تیموریان هند به اوج خود رسید. اهل فرهنگ شبه قاره از یک سو با اتکا به سابقه تمدن خود و از سوی دیگر با درک مشخصی از تمدن ایرانی - اسلامی و تحصیل آمیزه‌ای از این دو فرهنگ بجایگاه ویژه‌ای دست یافتند» (دو قرن جدال ادبی ایران و شبه قاره، شفیعیون: ۶۶).

پادشاهان مسلمان در سراسر شبه قاره مخصوصاً شاهان ایرانی نژاد نقش قابل توجهی در رونق و شکوفایی زبان و ادبیات فارسی در هند داشتند؛ زیرا شاعران، نویسندگان، عالمان، دانشمندان و هنرمندان زیادی در سایه حمایت و پرورش آنها ظهور کردند. «در آغاز عهد صفوی حادثه جدیدی در هند اتفاق افتاد که بابتی نو در رواج و نفوذ زبان و ادبیات گشود و آن سرزمین را به بزرگترین پناهگاه نویسندگان و مولفان و شاعران فارسی گوی مبدل ساخت و آن حمله ظهیرالدین بابر است از سال ۹۳۲ه. به هندوستان و تشکیل سلسله گورکانیان ..... از این تاریخ تا مدتها زبان فارسی، بصورت زبان رسمی دربار هند و زبان سیاست و ادب و شعر درآمد و طولی نکشید که نویسندگان و شاعران بسیار ظهور کردند» (انواع تثر فارسی، رستگار فسایی: ۵۰۷).

در نثر فارسی موضوعات متعدد و متنوعی در این دوره و در این حوزه جغرافیایی نگاشته شده است؛ در این بین داستان‌نویسی رواج و رونق فراوانی پیدا کرد؛ زیرا «در این راه تشویق‌های پادشاهان و فرمانروایان هند و دکن مایه اصلی پیشرفت بود» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۵/۳: ۱۵۰۲). مرات‌الخیال از جمله آثار داستانی است که در سال ۱۱۰۳ ق. به زبان فارسی و بقلم میکراج ملتانی نگاشته شده است. آشنایی با این اثر و ویژگیهای سبکی آن از سویی سبک شخصی نویسنده و مهارت او را در خلق اثری ادبی مینمایاند و از سوی دیگر گسترش زبان و ادبیات فارسی را در قرن دوازدهم نشان میدهد. این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی بمعرفی این اثر و بررسی ویژگیهای برجسته سبکی آن میپردازد.

## ۱- پیشینه پژوهش

از آنجا که نسخه مورد نظر تاکنون تصحیح نشده، پژوهشی نیز درباره نویسنده، اثر و سبک ادبی آن انجام نشده است. شایان ذکر است که تذکره‌ای بهمین نام یعنی مرات‌الخیال از نویسنده‌ای بنام شیرعلی خان لودی موجود است که بکوشش سید حمیدحسینی سامان یافته و مقالاتی نیز درباره آن به چاپ رسیده اما شباهت این دو تنها در نام است.

## ۲- معرفی مرات‌الخیال و نویسنده آن

مرات‌الخیال اثر میکراج ملتانی است. وی از نویسندگان شبه قاره هند در قرن دوازدهم هجری قمری است. درباره او و اثر یا آثارش اطلاع زیادی در دست نیست. همین قدر میدانیم که او فرزند «ملک لعل چند معروف به ملک زاده و متخلص به منشی» (۱۰۲۵-۱۰۹۵ ق) دبیر و نویسنده فارسی‌نویس شبه قاره، شاگرد و مرید ملا جمال‌الدین نظمی ملتانی، شیخ جمال‌الله اویسی بود» (دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، مودنی: ۲۴۳۱)، که گویا بعدها بسمت منشیگری دربار محمد معظم پسر اورنگ زیب گورکانی منصوب گردید. میکراج ملتانی در بزرگداشت و تعظیم شیخ جمال‌الدین ولی در آغاز کتابش شرحی مستوفی نوشته است.

منزوی درباره نویسنده مرات‌الخیال مینویسد: «مؤلف از "کارنامه" پدرش که متخلص به منشی بوده نام میبرد و دیباچه پدر و برادرش بر کارنامه را می‌آورد. گویا کارنامه تألیف پدرش بوده و میکراج آن را تدوین کرده است. از پادشاه زاده محمد معظم شاه شهر لاهور که موطن دارالامان اوست؛ نام میبرد و بیان میکند که در سال ۲۴ پادشاهی او مشغول این تصنیف بود و میگوید که "عزیمت ما به تصنیف منیف منظومه مجمع‌البحرین مشغول و مبذول است" و از "مرات‌الخیال" از تألیفات خود نام میبرد که شرح حال پدرش را در آن آورده. میکراج در سال سی و ششم جلوس پادشاه فوق‌الذکر به سال ۱۱۰۳ ق کتاب حاضر را به اتمام رسانده است» (فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، ج ۵: ۳۷۳۶). تنها نسخه این اثر بشماره (۱۲۶۸/۱-۷/۱۶۸) در کتابخانه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی قم نگهداری میشود که کتابت سال ۱۱۷۷ با کاتب نامشخص است.

میکراج در متن کتاب چندین بار به نیکویی و عظمت از پدرش یاد میکند. سبب تألیف کتاب را نیز ارادت به پدر و توصیه او در رویا به این امر بیان میدارد.

سبک کتاب، زیبا و ادیبانه است و به نثر موزون فنی نگاشته شده اما خسته‌کننده و ملال‌انگیز نیست. بنظر میرسد هدف نویسنده بیشتر تصویرگری، تجسم‌بخشی و بازیهای کلامی است و مصادق سخن ملک‌الشعراى بهار است که: «نویسنده مقیم هند بیشتر میخواهد اظهار فضل کند و کمتر مطلب بیان کردنی دارد، یا اگر دارد بجای اینکه حرف خود را بنویسد از در و دیوار صحبت داشته و کلماتی مناسب فضل‌فروشی خود به دست

آورده است نه مناسب مطلبی که باید بنویسد» (سبک شناسی؛ تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، ج ۳: ۲۵۹).

آمیختگی نثر با نظم نیز مشخصه سبکی این کتاب به شمار می‌رود، اشعاری که عمدتاً متعلق به شاعران بزرگی چون؛ فردوسی، سعدی، حافظ، وحشی بافقی است. برخی از اشعار هم متعلق بخود ملتانی، یا پدر اوست که نسبت بنوع اول از جزالت و استواری کمتری برخوردار است.

مرات الخیال گرچه در حوزه جغرافیایی ایران نگاشته نشده است، اما تا حد زیادی به سبک نثر دوره صفوی مانند است. برخی از ویژگیهای این سبک عبارتست از: «مطابقت صفت و موصوف به شیوه عربی رسم شده و عبارات را از یکدستی طبیعی انداخته، سجعهای متوالی، تکلفات بارد، مترادفات پیاپی، تکرار تعارفات و تملقها، آوردن شعرهای سست که غالباً اثر طبع خود مولفان میباشد و مانند اینها به علاوه عدم تعمق و امانت و ترک دقت و مواظبت در سینه و احوال تاریخی و از همه بدتر، شیاع مدح و چاپلوسی...» (سبک شناسی نثر، شمیسا: ۲۵۵)

متن مانند بسیاری از آثار با تمهیدیه آغاز میشود. آغاز نسخه، افتادگی دارد و مشخص نیست که چه مقدار از آن افتاده است. پس از آن اطلاعاتی تاریخی از زمان مؤلف و سبب تألیف اثر ارائه شده، سپس داستانی غنایی و عاشقانه آغاز میشود. داستان حکایت چهار عاشق است که هر یک به نحوی از یار خویش دور افتاده و در آتش هجران می‌سوزد. بزرگزاده‌ای بنام خاقان بر سبیل تصادف ماجرای آن چهار کس را از درویشی جهانگرد میشوند و تصمیم می‌گیرد که به رنج آن چهار گرفتار غرقاب بلا پایان دهد؛ بنابراین ترک شهر و دیار میکند و پس از یافتن آن چهار تن و شنیدن حکایت هجرانشان عازم سرزمینهای دور می‌شود و بعد از تحمل رنج بسیار، سرانجام به حل مشکل آن دردمندان توفیق مییابد و در آخر پیروز و کامروا به موطن خویش باز میگردد.

مرات الخیال قصه عامیانه است که بن مایه‌های داستانی زیر در آن به چشم می‌آید:  
- سفر: همیشه بعنوان نقطه آغاز یک مرحله تازه در زندگی شخصیت‌های قصه تأثیر گذار بوده است. مثلاً خاقان برای حل مشکل چهار جوان گرفتار بلا راهی سرزمین شام میشود؛ سفری که در نهایت به رفع گرفتاری بلا دیدگان و تکامل وجودی خاقان جوان میانجامد.

- نبرد: بن مایه دیگری است که در خلق داستان و ادامه آن اثری غیر قابل انکار دارد. جنگهایی که معمولاً بین دو عنصر خوب و بد و تاریک و روشن قصه صورت می‌گیرد و فرجام داستان را تا حدود بسیاری بخود وابسته میکند. در داستان مرات الخیال نبردی که بین سپاه خاقان و طاران اتفاق میافتد سرانجام به آشنایی خاقان با پیرمرد تاجر میانجامد؛

مردی که حضور او در قصه روند داستان را رو به جلو میبرد.

- **خوارق عادت:** ظهور و بروز کارهایی که از حد توانایی عادی بشر فراتر است. در داستان مرات الخیال حضور مرغ بحری که هریک از اعضای او خاصیتی فوق العاده دارد و به رفع مشکلی یا درمان مرضی کمک میکند از جمله این امور خارق العاده است.

- **عناصرا سطورهای:** مانند دیو، غار، پری که در اغلب داستانهای عامیانه وجود دارد در داستان مذکور نیز دیده میشود. دختر شاه پری شیفته محمد زاهد میشود یا محمد صادق هنگام حضور بر سر غاری که مسکن پریان است توسط عفرتی به درون غار برده میشود و در آنجا با شاه پریان دیدار میکند.

- **زیبایی:** زیبایی قهرمان یا دیگر اشخاص قصه گاهی به حوادث غیرمترقبه‌ای میانجامد. در داستان مرات الخیال ملکه مصر شیفته زیبایی عابد عطار میشود و این شیفتگی به بیقراری و دیدار با عابد میانجامد که زمینه ساز مابقی ماجراست.

- **شکوه کردن:** در این قصه‌ها معمولاً بین عاشق و معشوق شکوه و شکایتی وجود دارد که حول محور جدایی و عدم تحمل آن از سوی طرفین میگردد. در داستان مورد نظر نیز ملکه مصر از تحمل وضع موجود شکوه میکند و از عابد عطار میخواهد تا مقدماتی فراهم کند که شهزاده قصر را ترک کرده در محلی به دور از اغیار با فراغ بال زندگی کنند.

- **دیدارهای پنهانی:** درون‌مایه بسیاری از داستانهای عاشقانه دیدارهای پنهانی است که بین محب و محبوب صورت میگیرد. در داستان عابد عطار و ملکه مصر این نقش واسطه‌گر بر عهده دایه ملکه مصر است.

- **ابراز عشق از سوی معشوق (زن):** بر خلاف آنچه گمان میرود که عشق همواره از سوی مرد آغاز و اظهار میشود در بسیاری از داستانها این معشوق است که با دیدن مردی که بعدها او را شیفته خود میکند و بیباکانه این علاقه را ابراز مینماید. در داستان مرات الخیال ملکه مصر و دختر شاه پری هر دو عشق خود را ابراز کرده و آغازگر رابطه‌ای عاشقانه میشوند.

- **ترک وطن:** در قصه‌های عامیانه قهرمان داستان راهی سفری طولانی میشود، سفری که در آن با مخاطرات فراوان روبه رو میشود. در این داستان خاقان برای رفع مشکل جوانان محنت رسیده راهی دیار شام میشود و پس از پشت سر گذاشتن حوادث فراوان سرانجام پیروز و فاتح به دیار خود باز میگردد.

- **شب:** در داستانهای عامیانه آبستن حوادث فراوان است. بسیاری از توطئه‌ها، نقشه‌ها، قتلها و دیدارهای پنهانی در شب صورت میگیرد. در داستان مرات الخیال فرار ملکه مصر از قصر پدر، دیدار محمد صادق با شاه پری و به دریا انداختن خاقان توسط غلامان همگی در

شب صورت میگیرد.

مرات الخیال با مناجاتی زیبا و دلنشین که یادآور مناجاتهای خواجه عبدالله انصاری است، به انجام میرسد.

### ۳- ویژگیهای رسم الخطی نسخه

- در متن این نسخه حرف اضافه «به» متصل به واژه بعد نوشته شده است.
- واژه‌های مرکب گاهی سرهم نوشته میشود و گاهی جدا، مانند: همراز و همنشین (۱۰)، تاریخدانی و تاریخ گوئی (۱۷)
- گاهی زیر حرف «ی» دو نقطه آمده است.
- فقط تنوین نصب (ـً) همه جا درج شده است.
- گاه مضاف مختوم به «ا» بدون نشانه «ء» یا «ی» قبل از مضاف الیه آمده است.
- همزه وصل اغلب درج نشده است.
- کلمات گاه بدون نقطه و گاه با نقطه نوشته شده‌اند.
- حرف «گ» بصورت «ک» نوشته شده است.
- فعل «است» متصل به کلمه قبل نوشته شده است.

### ۴- سبک ادبی مرات الخیال

سبک را بمعنی گزینش آگاهانه یا ناخودآگاه از شکلها و ساختارهای زبان گفته‌اند. سبک در این معنا زمانی تحقق مییابد که برای گفتن یک مفهوم بیش از یک شیوه وجود داشته باشد و شخص از میان آن شیوه‌ها یکی را برگزیند. (ر.ک. سبک شناسی: ۳۵) ملک الشعرا بهر نیز با اشاره به این مفهوم از سبک، آن را چنین تعریف میکند: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است، از روش خاص ادراک و بیان افکار به و سیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر، سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا میکند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت میباشد» (سبک شناسی؛ تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، ج ۱: د).

یکی از بارزترین ویژگیهای سبکی مرات الخیال، انسجام و تناسبی است که حاصل پیوند میان اجزای کلام و چینش معنایی واژگان بکار گرفته شده در آن است؛ در نثر موزون فنی «به کیفیت انتخاب و گزینش الفاظ و واژگان از نظر اعتبار معنا و مفهوم بیشتر توجه میشود. از سوی دیگر، نثر موزون در هیات ظاهری خود از نظر داشتن سجع مانند قافیه در

شعر است؛ اما چون فاقد وزن عروضی است، به نثر متمایل می‌شود و بدان می‌پیوندد» (بررسی تطبیقی گلستان سعدی با مختصات نثر موزون و مسجع در بلاغت عربی، طاهر لاوژه و دیگران: ۸۹).

واژگان به‌خودی‌خود ارزش زیباشناسی ندارند بلکه گزینششان در جمله موجب ارزشگذاری آنها می‌شود. «اگر بپذیریم که هر نوع شعر یا نثری که از ضمیر سراینده یا گوینده برمیخیزد، خالصترین و صادقترین نوع آن است، لاجرم گزینش کلمات و حروف و اصوات نیز در ارتباط مستقیم با احساس و ادراک و عاطفه گوینده و سراینده خواهد بود، و به تعبیری دیگر قوانین درستی سخن را روح و جان و دل و ضمیر گوینده می‌افزیند» (چند اشاره درباره آرایه سجع، جوادی: ۳۷).

میکراج ملتانی با استفاده از صور خیال و آرایه‌های لفظی و معنوی، معانی و مفاهیم را با موسیقی حاصل از گزینش و چینش الفاظ بیان کرده است. واج، تکرار، واژه و جمله اجزای تشکیل‌دهنده زبان به‌عنوان مجرای ارتباطی هستند. موضوع پیامی که از متکلم به مخاطب منتقل می‌شود، بر گزینش و چینش واژگان تأثیر می‌گذارد. جرجانی بر این اعتقاد است که واژه از منظر فصاحت و بلاغت حسن و قبحی ندارد بلکه این امر منوط بنحوه بکارگیری کلمات در بافت معنایی و نحوی است. (دلایل الاعجاز، عبدالقاهر جرجانی: ۹۷)

#### ۴-۱- تشبیه

تشبیهات در این متن از منظر گزینش واژگان و عدول از نرم یا هنجار قابل توجه است. در گزینش و انتخاب مشبیه‌ها نگرش خاص ملتانی موثر بوده است. بیش از نیمی از کل تشبیهات این اثر در بیان شگفتی و حیرت آفرینی و توصیف مشبیه است که این موضوع از روحیه شادباشی و روح حاکم بر اثر حکایت دارد. بسامد بالای تشبیه بلیغ نکته قابل بررسی در تشبیهات این کتاب است. تقریباً ۵۳ درصد تشبیهات، به صورت تشبیه بلیغ است. برای نمونه: بادام دو مغز روز و شب (۲)، شبتاب کواکب (۳)، مسالک شیرین‌زبانی (۲۳) جاده فیض‌گستری (۳۳)، تور سینه (۵۶)، نیل آرزو (۵۹)، هندوی تیره شب (۶۰)، نیستان مصابرت (۶۵) افق فیض رب‌العباد (۷۰) مصر بیتابی (۱۱۹).

تشبیه تفضیل نیز در این متن بسامد بالایی دارد. نمونه: «خو شا گلستانی که اگر نسیمش بسوی یمن رود، عقیق بوی گل در دهد. اگر شبنمش غلطان به جانب عدن شود، صدف لؤلؤ زمرد برنهد» (۴۵).

بسیاری از وجه شبه‌ها در مرات‌الخیال از نوع تخیلی است. نمونه: «نسایم مآثر خامه مشکین عمامه‌اش مانند روایح هوای بهارین مروح دماغ مستودعان» (۱۵). «دل بیجان من که به تار زلفت آویخته، چون دانه تاک است» (۵۲).

در مرات‌الخیال گاهی دو تشبیه با هم پیوند می‌خورند و دو یا چند تصویر تشبیهی در

کنار هم قرار میگیرند. «پیک چالاک ادراک عقل درآک اگر چون رستم از هفت خوان افلاک آن سو برآید، از مگاک طریق به سر منزل ابتدایش جز سر واماندگی و شکسته پایی به در نتواند کشید» (۱).

«شاه بیت انسلان از قصیده مخلوقات برگزیده اوست. نهال عرفان از چمن سینه عارفان برکشیده او» (۵).

گاه نیز در مشبه، مشبه‌به و یا وجه‌شبهه، استعاره‌ای نهفته و تصاویری هنری و زیبا شکل گرفته است:

«میل قلم از سواد مداد سرمه کش دیده عبارات و مضامین از قدرت اوست» (۵).

#### ۴-۲- استعاره

استعاره در خلق جلوه‌های شاعرانه آثار فنی نقش زیادی دارد. استعاره در خدمت توصیف، روشنگری و توضیح مفاهیم، خیال‌انگیزی، اغراق و اقناع مخاطب استفاده میشود. میکراج ملتانی در ایجاد نثری شاعرانه بخوبی و زیبایی از این امکان بلاغی بهره برده است. استعاره در این کتاب هم عامل خلق نثر شاعرانه است و هم قدرت و مهارت نویسنده را مینمایاند.

اضافه استعاری در این متن کاربرد فراوان دارد که بیشتر بصورت‌های استعاره مکنیه است. کاربرد این نوع استعاره موجب تنوع تصاویر و زیبایی کلام شده است. برخی از اضافه‌های استعاری این کتاب عبارت است: گریه ابر و خنده زمین و ناله رعد و رقص برق (۵)، فروتنی خاک و سرکشی آتش (۵)، قلم نیرنگ‌ساز ارژنگ طراز (۲۳) هوش تیز گوش (۱۱۲).

استعاره مکنیه، پرکاربردترین نوع استعاره در مرآت‌الخیال است که بیشتر در قالب اسنادی مجازی آورده شده است. تشخیص در این متن، خیال‌انگیز و پر کاربرد است، نویسنده با جان‌بخشی به اشیا و عناصر طبیعی و عناصر انتزاعی کلامش را مملو از حیات و حرکت و پویایی کرده است. زیبایی و خیال‌انگیزی استعاره مکنیه (تشخیص) در این کتاب مخصوصاً در هنگام توصیف طلوع و غروب خورشید بسیار خواندنی است:

«چون شب ظلمانی نسب از هول سیه روزگاری آن دو طالب زار نزار به گنج انزوا درخزید و روز کلفت‌اندوز فراق آن دو همدوش و همدم مشتاق، از سرشک شب‌بنم، دامن چمن و صحن گلشن پر گردانید...» (۸۶).

#### ۴-۳- سجع

سجع یکی از آرایه‌های لفظی است که با قرینه‌سازی واژه‌های پایانی دو یا چند جمله از نظر حرف آخر کلمه (مطرف) یا وزن (متوازن) و یا هر دو (متوازی)، در کلام موسیقی ایجاد میکند و در زیبایی‌شناسی آوایی نثر، عاملی مهم محسوب میشود. سخن موزون باعث

ایجاد هیجان در مخاطب می‌گردد و علاوه بر آنکه عاطفه و احساس او را تحریک میکند در انتقال معنا و محتوای اثر نیز موثر است. در نثر فنی نیز استفاده از سجع «علاوه بر تاثیر موسیقایی و تشخیصی که به کلمات خاص هر جمله می‌بخشد، از تفکر نویسنده در حین نگارش و توجه او به حفظ استحکام و زیبایی متن حکایت دارد و خواننده را به لذت انتظار کلمه دیگر سجع میرساند؛ زیرا واژه نخست، فراخوانندهٔ واژهٔ دوم سجع است» (نقش موسیقی در گزینش واژگانِ نفثه‌الم‌صدور، عبا سی، کجانی - صاری: ۱۲۲). نمونه‌هایی از انواع سجع در این متن عبارتند از:

- **سجع مطرف و متوازن:** «لحظه به لحظه چشم ملتاع به هوای مشاهدهٔ لقای مطلوب در پرواز و دم به دم آغوش التیاع رای معانقهٔ شاهد قلوب باز است» (۲۱۸).

- **سجع متوازی:** «مبدعی که هر حرف نامهٔ بدایع آثار ابداعش کارستان گونه‌گونه مصلحتهای مختلفی است. صناعی که هر نقش خامهٔ صنایع‌نگار اختراعش نگارستان رنگارنگ حکمت‌های خفی» (۲۱۵).

یکی دیگر از شیوه‌های کاربرد سجع، استفاده از کلمات مسجع در کنار هم و در جمله‌هایی است که با قرینهٔ مسجع پایان می‌یابد که باعث شکل‌گیری صنعت تضمین مزدوج و ازدواج می‌شود. (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ۴۸): «از سهیل اسبان و استران و غرینش شتران، گویا رعد به خروش در آمده و از دواو و رواروی پیاده و سوار و صدای زنگ و جلاجل بی شمار، مانا دریای موج به جوش بر آمده، از گرد راه و غبارانگیزی سم ستوران سپاه قطعات ابری بر هوا نمودار گشته» (۲۲۶).

در مثال مذکور سه پارهٔ کلامی با کلمات «درآمده» و «برآمده» و «نمودار گشته» متقارن شده‌اند. همچنین در جمله‌ها بین کلمات اسبان و استران و شتران، دواو و روارو، سوار و بی شمار، راه و سپاه سجع دیده می‌شود. میکراج ملتانی در سجع‌پردازی از قواعد و اصول زبان فارسی عدول نکرده است و به شیوهٔ زبان عربی ارکان جمله را تغییر نداده است.

#### ۴-۴- جناس

استفاده از جناس باعث تالیف کلام و انسجام و زیبایی فنی آن می‌شود، این صنعت فنی برای ایجاد زیبایی لفظی است و تناسب و تناسب کلام را نمایانتر می‌کند. از سوی دیگر جناس معنا را در ذهن مخاطب استوار می‌سازد. بدین ترتیب جناس صنعتی موسیقایی و دیداری است. شنیدن و دیدن دو کلمه متجانس لذت هنری را افزایش می‌دهد و موجب تلاقی هنر و ادبیات می‌شود. «جناس از یک سو ایجاد موسیقی در کلام می‌کند و از سوی دیگر سبب تداعی معانی مختلف لفظی واحد می‌گردد و... به گسترش تخیل و ایجاد کشش و جلب توجه شنونده می‌انجامد و این از عوامل ایجاد زیبایی و هنر است» (جناس در پهنای ادب فارسی، تجلیل: ۸).

یکی از پر بسامدترین صنایع لفظی در مرات الخیال انواع جناس است از قبیل جناس تام و ناقص و اشتقاق و شبه اشتقاق:

- «هر بیننده را با او سَری و سیری است» (۲).
- «به سجود شکر و سپاس مسجود جان و ناس درآمد» (۱۴۸).
- «گشایش این عقده دقیق به هیچ دست، دست نداد» (۵۱).
- «او را از مردی و مردانگی داد، داد» (۱۳۹).

### - واج آرایبی

واج آرایبی تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوت در شعر یا نثر است، بگونه‌ای که موجب پدید آمدن موسیقی درونی شود؛ زیرا تکرار چه در سطح واژه، چه در سطح هجا و چه در سطح آوا، همیشه فایده موسیقایی به‌ویژه موسیقی درونی دارد. «موسیقی درونی و یا هم‌آهنگی کلمات زائیده عوامل گوناگون است از آن جمله مصوتها، صامتها، ترکیب آنها و چگونگی تکرار اصوات و هجاها در کلمات شعر» (موسیقی کلمات در شعر فردوسی، یوسفی: ۷۴). تکرار موجب آراستگی سخن می‌شود و ساختار آن را منظم می‌کند. «گزینش دلخواه در کاربرد لایه آوایی زبان بیش از هر جا در سخن ادبی ممکن است» (سبک‌شناسی، فتوحی: ۲۴۷).

در نثر فارسی، تکرار واژه یا حرف یا هجا نوعی هنجارگریزی محسوب می‌شود. این نوع در سطح تحلیل واژگانی بررسی می‌شود و بویژه در نوع تکرار واژه، به دو دسته تکرار آوایی کامل (واژه) و تکرار آوایی ناقص (واج) تقسیم می‌گردد. از سوی دیگر آواها (یا واجها) نیز در انتقال معنا و مفهوم موثرند؛ «الکساندر پوپ، شاعر و منتقد معروف انگلیسی، بر این عقیده است که در هر شعر صوت باید انعکاسی از معنی و ارتباطی با آن داشته باشد» (موسیقی کلمات در شعر فردوسی، یوسفی: ۱۷۲). به همین جهت احسان گوینده یا نویسنده بر زبان او و انتخاب آواهای کلامی تاثیرگذار است.

خوشه‌های صوتی، در نثر و نظم فارسی به‌ویژه از قرن ششم کاربرد زیادی دارد، اما در نثر میکراج ملتانی با بسامد بالا جزء خصیصه‌های سبکی است و برجستگی واج آرایبی تقریباً در همه متن مشاهده می‌شود. میکراج ملتانی بکمک همین آرایه و با آگاهی از قدرت زیبایی‌آفرینی و تاثیرگذاری آن سخنش را مزین کرده است:

- «لالی شاهوار و جواهر آبدار و سیم و طلا بسیار و ملاپس و نفایس نادره کار بر طبق طبق و توده توده چیده و در و دیوار به زربفت و دیبا و اطلس و سقرلاط زیبا پوشیده و نوازندگان و خوانندگان و رقاصان و سبزیختان و مطرب‌زنان و لولیان به کسوتهای نظرفریب و حلل متکلف پرزیب خود را پیراسته طبقه به طبقه به موقع و موضع از هر دو طرف صف آراسته در اظهار صنایع بدایع خود کوشیده بدین نسق شهر را آذین بندند» (۲۲۱)

در قطعه بالا تکرار مصوت «آ» و نیز حروف «س» و «ص» و «د» موجب زیبایی شنیداری شده است. از سوی دیگر در انتقال احساس و عاطفه موثر واقع شده است؛ زیرا حروف مذکور از واجهای روان و سایشی محسوب می‌شوند که برای بیان شادی و آرامش بکار می‌روند.

«اهمیت تغییرات آوایی به عناصر زبان محدود نمی‌شود، بلکه نظام آوایی در تغییرات معنایی جمله و آهنگهای نحوی کلام نیز دارای اهمیت بسیار است. تحلیل آوایی سبک، به الگوهای صوتی و شیوه تلفظ در زبان گفتار و نوشتار نظر دارد (سبک‌شناسی، فتوحی: ۲۴۳). نمونه زیر موید این مطلب است:

- «پاکویی لولیان خورشید جبین پا بر دل‌های خفته میکوفت و جهان‌آشویی مطرب‌زنان ناهیدآیین جانهای شیفته می‌آشفت. سیه‌چشمان ترکی و سرخ‌رویان ختنی سرمه در دیده نظاره و وسمه بر ابروی رنگ‌پریده خواطر آواره میکشیدند و شیرین‌لبان سمرقند و خوبان شیراز به کرشمه نازپیوند و غمزه سحرپرداز، جانهای حزین را نوشداروی تسکین میبخشیدند» (۲۲۹)

بدیهی است هرچه نویسنده توان و هنر بیشتری برای در کنار هم قرار دادن صامتها و مصوتها داشته باشد، زبان نثر به زبان شعر نزدیکتر خواهد شد و نثر شاعرانه شکل میگیرد چنانکه در متن فوق دیده میشود.

#### ۴-۵- قرینه‌سازی

از مهمترین صنایع و تکلفات که در این کتاب استفاده شده؛ موازنه یا قرینه‌پردازی است. «قرینه‌پردازی التزام نویسنده یا شاعر به باهم‌آوری واحدهایی است که بین آنها نوعی اقتران و هم‌سنگی، تشابه، تناسب، توازن و معادله برقرار است. قرینه‌پردازی در قلمرو معانی، بیان، بدیع و عروض در سطوح مختلف واج، واژه، جمله و ساختارهای نحوی، وزن و موسیقی کلام صورت میگیرد و بویژه صناعاتی مانند ترصیع، موازنه، سجع و تجنیس را در برمیکرد و به متن، تناسب هندسی و معنایی مبخشد» (قرینه‌پردازی در نفثه‌المصدر، سام خانیانی، باغبان: ۶۹). در قطعه زیر کاربرد توازن هجایی مشهود است:

- «شاهزاده چهره‌آمال میافروخت. شاه بهره‌جاودانی میاندوخت. آن بدره بدره دنانیر طلا و نقره بر مفارق داماد و عروس نثار میانداخت، این طبق طبق، لالی و جواهر بر تارک مبارک فرزند به ناموس ایثار میساخت. آن بر خویشتن میباید، این در پیرهن نمیگنجید. آن به ثنای رب‌العالمین سر بر زمین میگذاشت، این به دعای ثمره‌الفؤاد دست به آسمان میافراشت» (۲۳۵)

در قطعه زیر علاوه بر توازن هجایی کاربرد تضاد بر زیبایی کلام افزوده است:

- «هر فقیری و مانده‌ای، هر غریبی و فایده‌ای، هر عریانی و پیرایه‌ای، هر بی‌سامانی و

سرمایه‌ای، هر پیری و دعایی، هر فقیری و ثنایی، هر گدایی و نوایی، هر بینوایی و عطایی» (۲۳۷)

سهم زیادی از قرینه‌پردازیه‌ها در این کتاب بقرینه‌های مترادف اختصاص دارد:  
- «یونس در جزای محن به وطن چند روزه به بطن حوت بر معارج مهتری عروج نماید، و یوسف به‌زای رنج حبس چند ماهه بر مسند عزت و سروری جلوس فرماید» (۲۴۴).  
در قرینه‌پردازیه‌ها از صنعت طرد و عکس نیز استفاده شده است:  
- «هر انجمنی و چمنی، هر چمنی و انجمنی... هر ظریفی و فریقی، هر فریقی و ظریفی...» (۲۳۷)

در قرینه‌سازی گاهی هنرنمایی شگرفی از میکراج دیده میشود، یعنی دو پاره به‌وسیله سجع بهم میپیوندند که اولین قرینه از دومین قرینه کوتاهتر است، اما دومین نیز خود دارای پاره‌های همسان از نظر سجع است و گاهی صنعت موازنه را شکل میدهد. برای مثال، عبارت زیر دارای این ویژگی است:

- «اگر خضر و الیاس به زمان ماضی در ظلمات از آب چشمه زندگانی کف دستی چشید، سخن‌فهمان حال و استقبال از خم دواتم شراب روحانی کاسه کاسه خواهند نوشید» (۲۶۵).

در مثال فوق، «اگر خضر و الیاس به زمان ماضی در ظلمات از آب چشمه زندگانی کف دستی چشید»، بعنوان پاره اول، از «سخن‌فهمان حال و استقبال از خم دواتم شراب روحانی کاسه کاسه خواهند نوشید» بعنوان پاره دوم، کوتاهتر آمده است و با سجع این دو قرینه به هم پیوسته‌اند؛ اما در عین حال، «چشمه زندگانی» و «شراب روحانی» نیز دارای سجعند.

در بررسی نثر مرآت‌الخیال جملات نقلی و خبری که مقصود از آن بیان معنی نه آرایش الفاظ است چندان دیده نمیشود و چنان به نظر میرسد که هدف اصلی نویسنده، بیشتر قرینه‌سازی و سجع‌پردازی بوده است؛ بگونه‌ای که در برخی از قطعات، اگر مترادف واژه‌ای را جایگزین آن کنیم تناسب و نظم کلام از هم می‌گسلد. هنر نویسنده در این قسمت آن است که لغات و ترکیبات را متناسب با واژگان و ترکیبات قبل و بعد بکار گیرد و با تقارن و تماثل الفاظ و ذوق هنری در قرینه‌سازیها توجه خواننده را جلب نماید:

- «آرایش بساط ستایش و افزایش نامه نیایش برای قادری است که فرش زمردین بر روی زمین گسترده اوست و ریاض بهشت برین بر ذروه علیین سبز کرده او و خیم افلاک بی‌قیام اساطین افراخته اوست و صفحات خاک به نقوش رنگین پرداخته او، چراغ معرفت و ایمان در باطن اولیا فروغ داده اوست و ابواب فیض و عرفان بر روی اصفیا گشاده او، داغ طلب بر دل عاشقان سوخته اوست و آتش عشق در سینه طالبان افروخته او، سبحان الله

این گرفتار هواجس نفسانی را کجا استطاعت که طریق تعداد نعمایش اندکی از بسیار تواند پیمود؟ و این پابند سلاسل غفلت و نادانی را کدام بضاعت که ثنای آرایش یکی از هزار تواند نمود؟» (۲۸۵)

در قطعۀ مذکور، نویسنده علاوه بر رعایت تناسب در دو کلمۀ آخر هر قرینه، کوشیده است این تقارن را در دیگر اجزاء کلام نیز مراعات نماید. این ویژگی باعث شده در مواردی در گزینش کلمات دچار تنگنا شده، به ناچار به استفاده زیاد از واژگان عربی و در مواردی کلمات دشوار و نامانوس رو آورد.

از محاسن نثر مرات‌الخیال آن است که التزام سجع نویسنده را ناچار نکرده است که جایگاه نحوی کلمات را تغییر دهد، شیوه‌ای که قبل و بعد از نگارش مقامات حمیدی بیشتر سجع‌نویسان فارسی زبان بکار برده‌اند و به روش زبان عربی جمله بندی کرده‌اند. (ر.ک. فن نثر، خطیبی: ۵۸۱)

در آفرینش نثر شاعرانه گزینش و چینش واژگان و استفاده از تقارنهای موسیقایی و کاربرد سجع و جناس و واج‌آرایی مهم و ضروری است. «در نثر شاعرانه حال و هوای نثر، مفاهیم منطقی و گزارشی و حقایق غیر شعری است که جامۀ قافیه (سجع) و صناعات شعری را به تن کرده است» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ۲۴۲).

در مرات‌الخیال به وضوح این نوع نثر دیده میشود. در نثر این کتاب ترکیبات و تعبیرات و واژگان از حیث کیفیت و تنوع مانند شعر نیست؛ اما به لحاظ کمیت با فراوانی و به قصد زینت و آرایش کلام استفاده شده‌اند. از آنجا که در این متن قطعات منظوم هم بکار رفته، همیشه نثر مقدمه‌ای برای شعر پس از خود است و موجبات آهنگینتر شدن و ادبیت بیشتر متن را فراهم میکند. همچنین معمولاً اگر پس از قطعه‌ای منظوم بخش منثوری آمده، آهنگ نثر، کلام را به شکل محسوسی ناموزون نمیکند.

#### ۴-۶- مراعات‌النظیر

تناسب یا مراعات‌النظیر قرار گرفتن واژگانی خاص و متعلق به یک حوزه معنایی است که در گزینش و چینش واژگان بسیار بااهمیت است؛ زیرا هم باعث زیبایی و هماهنگی بین اجزای کلام میشود و هم در انتقال معنا و مفهوم مورد نظر موثر است. «این که بار موسیقایی واژه در وجه تألیفی خود به جنبۀ تخیلی و عاطفی شعر یاری میرساند، نکته‌ای است که فرمالیستها به خوبی دریافته‌اند. طبیعی است انتخاب یک واژه از میان مترادفات کار دشواری است اما این انتخاب زمانی مثمر ثمر واقع میشود که با تناسبات آوایی دیگری دمخور و دمساز باشد» (هاله ارزشی واژگان، آقا‌حسینی و آلگونه جونقانی: ۱۷۳). این آرایۀ ادبی نوعی فراهنجاری در موسیقی است که باعث توازن معنایی میشود. میکراج ملتانی از این صنعت بهره برده و سخنش را با مزین کردن به آن از ساختار زبان خودکار جدا کرده

است. در مراسم استقبال خاقان از ملک‌شاه از این آرایه به زیبایی استفاده شده است:  
- «پاکویی لولیان خور شید جبین پا بر دل‌های خفته میکوفت و جهان آشوبی مطرب‌زنان  
ناهیدآیین شیفته می‌آشفت. سیه چشمان ترکی و سرخ‌رویان ختنی سرمه در دیده  
نظاره و وسمه بر ابروی رنگ پریده خواطر آواره میکشیدند و شیرین لبان سمرقند و خوبان  
شیراز به کرشمه ناز پیوند و غمزه سحرپرداز، جانهای حزین را نوشداروی تسکین  
می‌بخشیدند» ( ۲۲۹).

نویسنده با ایجاد تناسب بین واژه‌های لولیان و مطرب‌زنان و خورشید جبین و  
ناهیدآیین و سیه چشمان و سرخ‌رویان و سرمه و وسمه و ... به خوبی الفاظ را در خدمت  
هدف خویش یعنی توصیف و ایجاد هیجان بکار گرفته است. میکراج ملتانی قصد دارد  
احساس و اندیشه خود را به خوانندگان القا کند؛ بنابراین با استفاده از ظرافت‌های شعری  
مخصوصاً مراعات‌النظیر به این مهم دست می‌یابد.

#### ۴-۷- براعت استهلال

براعت استهلال «که پیش‌درآمدی بر متن داستان است و بگونه‌ای چشم‌اندازی کلی بر  
داستان پیش روی خود می‌باشد که تقویت‌کننده فضا و رنگ داستان و از سویی دیگر  
تداعی‌کننده احوال درونی شخصیت‌هاست و مخاطب را با حال و هوای آن آشنا میکند»  
(براعت استهلال‌های تغزل‌گونه در شاهنامه، عبا سی، فولادی: ۱۷۹) کاربرد این صنعت از  
مصادیق دیگر به‌گزینی واژگانی و استفاده هدفمند عناصر زبانی در مرات‌الخیال است؛ مثلاً  
در جمله زیر گزینش واژگان و چینش آنها هدفمند است؛ زیرا نویسنده قصد دارد از آغاز  
روزی سخن بگوید که قرار است مناکحت و مزاجت عابد عطار با ملکه مصر انجام شود:  
- «روز دیگر که داماد عروس اقلیم چارم بر مسند عالم‌آرای قدم نهاده، روشنی‌فزای  
چشم عشاقان و کام‌پیرای دل مشتاقان گردید و مرغ سحری به شیرین‌زبانی و لهجه‌وری  
نوای خطبه‌خوانی وصل بلبل به گل برکشید...» ( ۲۳۲)

جملات آغازین در این موارد با ایجاد زمینه‌ای مناسب خواننده را برای رویارویی با  
آنچه در ادامه با آن مواجه می‌شود آماده می‌کند. میکراج ملتانی با خلاقیت و ذوق شاعرانه  
تصاویر متفاوتی از طلوع خورشید ارائه کرده، که هر کدام به خواننده در دریافت ادامه متن  
کمک می‌کند. اینگونه تمهیدات و براعت‌های استهلال در سراسر متن قابل مشاهده است. این  
براعت استهلالها به متن پیوسته‌اند و فاصله‌ای بین آنها با متن اصلی دیده نمی‌شود. در  
نمونه‌ای دیگر در بیان آذین‌بندی کوی و برزن چنین سخنش را آغاز می‌کند:

- «روز دیگر چون روشن‌ساز محافل آبای علوی و جلاپرداز منازل امهات سفلی، آسمان  
را فروغ و صفا بخشید و زمین از پرتو انوار جمال جهانتاب آفتاب سراسر لباس زرین پوشید  
و مرغان سحر گاهی بسان کوس اقبال ملک‌شاهی لوای بیداربختی بلند آوازه

ساختند...» (۲۲۴).

روشن است که در شکل‌گیری این صنعت نویسنده بیشتر از عناصر طبیعی بهره برده است. «بر همین اساس، داستانی که بر بستر طبیعت در آنها روایت میشود تمثیلی است و شخصیت‌های طبیعی بکار رفته در آن، نمادهایی هستند برای شخصیت‌های اصلی متن داستان که بطور نمادین مفهوم داستان را بیان میکنند» (براعت استهلال‌های تغزل‌گونه در شاهنامه، عباسی، فولادی: ۱۸۱).

#### ۴-۸- توصیف

مرات‌الخیال به تبعیت از بیشتر آثاری که به نثر فنی نگاشته شده‌اند، در اغلب موارد مشحون از توصیفات طولانی و شعرگونه است. «شیوه خاص نویسندگان نثر فنی (جز در ترسل و نامه‌های درباری) بر اصل رجحان وصف بر خبر است. به این معنی که خبر را تقریباً به اختصار (البته نه به ایجاز) بیان میکنند تا به وصف برسند و سپس وصف را مفصلاً شرح میدهند» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ۷۶). گاهی بنظر میرسد نویسنده سخنش را بگونه‌ای پیش میبرد تا بتوصیف برسد، مثلاً دیدار ملک‌شاه و خاقان این گونه وصف شده است:

- «آن سرمایه سرور سینه را در آغوش محبت و مرحمت کشید و ساعتی به شوق و ذوق تمام بهمان هیبت و حالت توقف ورزید.

ز مهرش گرفت اندر آغوش تنگ      چنین تا برآمد زمانی درنگ

و یار را در خلوتی مخلی از اغیار وا یافته، گاهی رویش میبوسید و گاهی بسویش میدید، گاهی در برش تنگ میگرفت، گاهی در برش درنگ میپذیرفت، گاهی بررخش ان یکاد میخواند و گاهی بر سرش زر و گهر میافشاند، گاهی شکایت فراق بیان میکرد، گاهی شکر وصال بر زبان میراند، گاهی از مستی باده مشاهده دیدارش بی خود میشد، گاهی از خاصیت نمک گفتارش به خود میآمد...» (۲۲۳)

یکی از شگردهای ایجاد اطناب در کلام و نثر فنی، توصیف است. در قطعه فوق چنانکه ملاحظه میشود، میکراج ملتانی از ساختهای همپایه برای توصیف امور و پدیده‌ها استفاده کرده است. نویسنده پدرش را چنین وصف کرده است:

- «ذات فرشته صفاتش سررشته رحمت یزدانی، صفات ذات‌الحسناتش افزونتر از سررشته الفاظ و معانی، در جمع جمیع فواید قواعد علمی پرهیز، در تصوف و توحید پیش‌قدم ارباب خبر، به صحبت فصحا و صلحای اجل مایل، توجه طبیعتش مصروف به حل مسایل، نکات تصوفی در مرآت دل مصفایش مصور، کلمات تعریفی بر صفحه اندیشه منقالش محرر، سینه دریا خزینهاش سفینه مملو کالای دست بالای زبده افکار متقدمین...» (۱۵)

نویسنده در متن فوق اطناب را در قدرت و جزالت لفظ و از طریق تجانس و تقارن و تماثل کلمات و عبارات ایجاد کرده است.

#### ۴-۹- اطناب و اسهاب

از ویژگی‌های بارز این اثر مانند بیشتر آثاری که در این دوره ادبی و این حوزه جغرافیایی نوشته شده، اطناب است که پیشتر هم بدان اشاره شد. کاربرد القاب متعدد و تملق‌آمیز که گاهی نویسنده را مجبور به ساختن صفات ترکیبی می‌کند. این آرایه تنسیق الصفات است و بسامد بالایی در این کتاب دارد و از عوامل ایجاد اطناب است.

«فهرست جریده روزگار، منتخب صحیفه لیل و نهار، مشید ارکان دولت و اقبال، مؤسس بنیان ابهت و اجلال، مهر سپهر عز و کمال، بدر انور افضال، نیروی بازوی ممالک‌گشای، آبروی آرزوی غم‌زدای، مهین‌مایه جان‌فزای، بهین‌پیرایه جهان‌پیرای، فروغ افسر ظل الهی، کحل بصر پادشاهی، عارج معارج رفعت و عالی‌جاهی، صاعد مصادد حشمت و والاد ستگاهی، قوت‌الظهر خلافت و جهانداری، مره‌الصدر سلطنت و شهریاری، اعتضاد شوکت و نامداری، اعتماد عظمت و کامکاری، تقدم‌العیش کام‌بخشی و کامرانی...» (۲۱۶) عطف متوالی و پیوسته جملات به یکدیگر نیز از عوامل ایجاد اطناب در این کتاب است. اغلب استفاده از وجه و صفی که در نثر دوره صفویه رواج بسیار دارد در حذف فعل و توالی جملات موثر واقع شده است.

«خاقان نامدار نامجو[ی] نکوکار نیکخو، بعد ادای شرایط نماز و نیاز و حمد و ثنای دادار کام‌پرداز بی‌انباز در هنگام مقرر به قاعده مستمر و کر و فر غیر مکرر به خدمت شاه حق آگاه شتافته شاه و شاهزاده از امور رعیت‌پروری و جهانبانی و دستور فریادرسی و دادرسانی فراغ وقت یافته، فروغ‌بخش خلوتخانه جمعیت کاشانه شدند و از هر باب گفت و شنفت در خطاب و جواب بمیان آمده...» (۲۳۳).

نیز از دیگر عوامل اطناب در این اثر عبارات و ترکیبات متوالی و مکرر است. «پس آنگاه بر اورنگ جهانبانی که سدره آمال و امانی است به خدای کارساز کام‌پرداز در نیاز هم راز و به شکر و ثنای دادار بی‌انباز دمساز نشسته آن سرو سرفراز ریاض دولت جاوید آرزو را به هزاران ناز و فراوان اعزاز چون دل پهلوی خودش باز نشانند...» (۱۱۵).

همچنانکه مشاهده میشود اطناب باعث شده است که نویسنده به واژگان و رابطه آنها با یکدیگر توجه خاص داشته باشد؛ بعبارت دیگر معنا و مفهوم جمله بدون توجه به واژگان و مناسباتی که آنها با استفاده از محسنات کلامی یافته‌اند، امکان پذیر نیست.

#### ۵- نتیجه‌گیری

مرآت‌الخیال اثری متعلق به میکراج ملتانی نویسنده قرن دوازدهم است که تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. بررسی این متن نشان می‌دهد که این اثر به سبک فنی موزون نگاشته شده است. ویژگی‌های نثر مسجع و نثر فنی در متن کاملاً نمایان است. بررسی سبک

ادبی این اثر مشخص میکند که در شکل‌گیری فرم ادبی آن قرینه‌سازیها و ایجاد تناظرهای موسیقایی و دقت و فراست در گزینش و چینش واژگانی بسیار موثر بوده است. میکراج ملتانی در شکل دادن به تناظرهای موسیقایی و قرینه‌سازیها از آرایه‌های ادبی استفاده کرده است. از بین آرایه‌های بدیعی و صنایع بلاغی که نقش زیادی در ایجاد موسیقی و تزیین کلام در این کتاب دارد میتوان به تشبیه، استعاره، انواع سجع، جناسها، موازنه و ترصیع، قرینه‌سازی و هم‌آوایی، اطناب و بראعت استهلال اشاره کرد. قرینه‌پردازیها و گزینش و چینش واژگان در این کتاب گاهی بسیار دقیق و زیباست بطوری که آن را به نثری شاعرانه مبدل کرده است. نثر مرآت‌الخیال مانند شعر سرشار از عاطفه و خیال است و از عناصر خیال‌آفرین به بهترین شکل در آن استفاده شده است. بطور کلی غلبه لفظ بر معنا، برتری وصف بر خبر، خیال‌پردازیهای شاعرانه و تصویرگری، استفاده از اغراض شعری مانند مدح و تشبیت از ویژگیهای دیگر این اثر است.

#### منابع

- انواع نثر فارسی، منصور رستگار فسایی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
- بראعت استهلال‌های تغزل‌گونه در شاهنامه، محمود عباسی، یعقوب فولادی، مجله فنون ادبی، دوره ۹، ش ۱۸، صص ۱۷۳-۱۸۶، ۱۳۹۶.
- بررسی تطبیقی گلستان سعدی با مختصات نثر موزون و مسجع در بلاغت عربی، طاهر لاوژه، کریم کوشش، عبدالله طلوعی آذر، نشریه فنون ادبی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۲، ۱۳۹۴.
- جناس در پهنای ادب فارسی، جلیل تجلیل، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.
- چند اشاره درباره آرایه سجع، سید ضیال‌الدین جوادی، کیهان فرهنگی، ش ۱۵۷، صص ۳۶-۳۸، ۱۳۷۸.
- دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، علی موذنی جلد ۳، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۲.
- دلائل الاعجاز فی القرآن، عبدالقاهر جرجانی، ترجمه و تحشیه سید محمد رادمنش، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۸.
- دو قرن جدال ادبی ایران و شبه قاره، سعید شفیعیون، نشریه متن شناسی ادب

- فارسی، دوره ۲، ش ۱، صص ۶۵-۸۴، ۱۳۸۹.
- سبک شناسی؛ تاریخ تطور نثر فارسی، محمد تقی بهار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۳ جلد، ۱۳۷۰.
  - سبک شناسی نثر، سیروس شمیسا، انتشارات میترا، تهران، ۱۳۷۶.
  - سبک شناسی، محمود فتوحی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۰.
  - فن نثر، حسین خطیبی، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۵.
  - فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال الدین همایی، نشر هما، تهران، ۱۳۸۱.
  - فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، نشر مؤسسه فرهنگی - منطقه ای، تهران، ۱۳۴۹.
  - قرینه پردازی در نفثه المصنوع، علی اکبر سام خانی، علیرضا باغبان، نشریه فنون ادبی، دوره ۸، ش ۱۵، صص ۶۷-۸۴، ۱۳۹۵.
  - مرآت الخیال، میکراج ملتانی، نسخه دستنویس موجود در کتابخانه آیت الله گلپایگانی قم، ۱۱۷۷.
  - موسیقی شعر، محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
  - موسیقی کلمات در شعر فردوسی، غلامحسین یوسفی، مجموعه مقالات کاغذ زر. تهران: سخن، چاپ دوم، صص ۱۶۷-۲۱۲، ۱۳۸۶.
  - نقش موسیقی در گزینش واژگان نفثه المصنوع، حبیب الله عباسی، حجت کجانی حصاری، مجله زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، سال ۲۴، ش ۸۰، صص ۱۱۵-۱۳۶، ۱۳۹۵.
  - هاله ارزشی واژگان، حسین آقاسینی، مسعود آگونه جوفانی، جستارهای ادبی، ش ۱۶۵، صص ۱۶۱-۱۸۰، ۱۳۸۸.